

تعدد جرم

تعدد جرم عبارت از حالتی است که یک نفر مرتکب اعمال عدیده شود و یا فعالی را ترک کند که بموجب قانون انجام آن اعمال و یا ترک آن اعمال جرم شناخته شده باشد و یا اینکه مرتکب عمل واحدی شود که نتیجه آن در قانون جزا مشمول عناوین متعدد جرم باشد بشرط آنکه نسبت بهیچ یک از جرائم ارتكابی حکم لازم الاجراء صدور نیافته و تمام مجازات درباره متهم اجراء نشده باشد. ذکر شرط اخیر بجهت توجه بتمایز تعدد جرم و تکرار جرم است . . .

(تعیین مجازات در تعدد جرم)

نحوه مجازات افرادی که مرتکب بجرائم متعدد میشوند از قدیم مورد بحث و مختلف فیه علمای حقوق جزا بوده است و مهمترین عقایدی که در این باب ابراز شده است بشرح ذیل میباشد :

الف) برای هر یک از جرائم ارتكابی برابر قانون مجازات علیحده تعیین و مجموع مجازاتها درباره مرتکب اعمال شود (سیستم جمع مجازاتها)

طرفداران این عقیده چنین استدلال میکنند که جامعه بموجب قانون مجازات برای هر عمل یا ترک فعلی که مخالف نظم اجتماع بوده مجازاتی تعیین کرده است و وقتی تخلف متهم از قانون در موارد مختلف محرز باشد. عدم اقدام بموقع مأمورین حفظ نظم و عدم اجرای مجازات درباره هر یک از جرائمی که متهم مرتکب شده است علت موجهی نیست تا بجهت آن بتوان از مجازات بعدی اعمال خلاف قانون مجرم صرف نظر کرد. همانطور که اگر مجرم بموقع تحت تعقیب قرار می گرفت هر یک از اعمال او مستلزم مجازات علیحده بود در موقعی که جرائم متعدد وی نیز که یکجا تحت تعقیب قرار گرفته است باید مجموع مجازاتها درباره وی اعمال شود . . .

دلایل مخالفین این عقیده مبنی بر این است که گاهی دو نوع مجازات (مانند حبس موقت یا حبس مؤبد) قابل جمع نیست بعلاوه ممکن است اجتماع مجازاتها بقدری سنگین و طویل‌المده شود که زائد بر عمر طبیعی باشد . . .

بعقیده نویسندگان این مقاله برای استدلال خلاف ورد عقیده افرادی که طرفدار تعیین مجازاتهای متعدد و اجرای مجموع آنها هستند باید بفلسفه مجازاتها و مباحث درباره آن توجه کرد . . .

علمای حقوق امروز در میان عقاید مختلف درباره فلسفه مجازاتها که باختصار عبارتست از:

- ۱) مجازات برای انتقام .
- ۲) مجازات از نظر تنبیه مجرم .
- ۳) مجازات بمناسبت حفظ و صیانت حقوق جامعه و دور نگهداشتن مجرم از اجتماع .
- ۴) مجازات بجهت عبرت سایرین .

۵) و بالاخره مجازات بلحاظ تربیت و اصلاح مجرم در مدتی که از اجتماع دور شده است عقیده اخیرالذکر را پذیرفته‌اند و با توجه باینکه در مورد تعدد جرم هنوز متهم مجازات نشده است تا اثر تربیتی و اصلاحی آن نسبت بوی برای اجتماع روشن شده باشد و بعبارت دیگر اجتماع اقدام جدی و قانونی برای تأدیب مجرم بعمل نیاورده است تا نتیجه معلوم شود که یک بار مجازات و گذراندن دوران تأدیب و اصلاح اخلاقی در مجرم چه اثری دارد و چه بسا ممکن است که مجرم با اولین اقدام اجتماع و تعیین اولین مجازات مطیع مقررات شود و از نظام اجتماعی تبعیت کند و با پذیرش این عقیده و روش دیگر مجالی برای تعیین مجازاتهای متعدد و اجرای مجموع آن که جنبه انتقامی دارد باقی نیست . . .

ب) فقط مجازات جرم اشد مورد حکم قرار گرفته و اجرا شود . . .

این عقیده که بموجب ماده ۳۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه مورد قبول واقع شده و برابر مواد ۳۲ و ۳۳ قانون مجازات عمومی از آن تبعیت شده بود در عمل با اشکالات عدیده مواجه میگردد و بهمین جهت رویه قضائی

فرانسه عملاً ماده مذکور را تغییر داده و مواد ۳۲ و ۳۳ قانون مجازات عمومی نیز بعداً لغو و فعلاً ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی جانشین آن گردیده است . . .

مواد ۳۲ و ۳۳ که ملغی الاثر گردیده ذیلاً درج میشود .

ماده ۳۲ . . . (اگر چند جرم برای یک مقصود واقع شده و مربوط بهم باشد یا اینکه بعضی از آنها مقدمه یا جزء دیگری بوده یا تفکیک ازهم نشوند تمام آنها یک جرم محسوب و مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است) ماده ۳۳ « هرگاه شخصی جرمی را مکرراً مرتکب شده بدون اینکه حکمی درباره او صادر شده باشد برای هر جرمی حکم علیحده صادر نمی گردد ولی محکمه مجرم را بعداً کثر مجازات محکوم خواهد نمود . »

ایراد عمده‌ای که باین رویه وارد است این است که چنانچه جرم اشد در دیوان عالی کشور نقض شود و یا از جرائمی باشد که گذشت شاکی خصوصی آن را از اثر بیندازد جرائم دیگر بدون مجازات میماند و تجویز رسیدگی مجدد و صدور حکم جدید درباره سایر جرائم نیز برخلاف اصل تسریع در رسیدگی بامور جزائی بوده و عملاً نیز با مسأله مرور زمان قانونی مواجه میشود .

طریقه اعمال مجازات جرم اشد در قانون جزای ایران در مورد تعدد معنوی جرم بشرح ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی پذیرفته شده است . ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی چنین تصریح است « هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است . »

نکته قابل توجه و تذکر در اینجا اینست که با آنکه مواد ۳۲ و

۳۳ مذکور با وضع ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی منسوخ گردیده است در بعضی از مواد قانون مجازات هنوز عقیده و نظر قانون گذاران واضح مواد منسوخ مزبور منصوص است از آن جمله در ماده ۱۶۱ قانون مجازات عمومی چنین مقرر است ماده ۱۶۱ « متمرّد در موقع تمرّد مرتکب جنایت یا جنحه دیگری هم

گردد در صورتیکه مجازات آن جرم اشد از مجازات تمرّد باشد بمجازات جرم مزبور والا بمجازات تمرّد محکوم خواهد شد . »

ج. برای هر یک از جرائم مجازات، علیحده تعیین و فقط مجازات اشد اجرا شود (سیستم جمع قضائی مجازاتها).

عقیده مذکور که در حقوق جزای امروز نسبت به عقاید دیگر مرجح است همان است که موجب ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی ایران، مورد قبول واقع گردیده است. . . .

ماده ۲ ملحقه بشرح ذیل است :

اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشند محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد و لکن اینکه مجموع آن اعمال بموجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه جرم دیگر باشند . . .

(۱) در صورتیکه فرداً فرداً اعمال ارتکابیه جرم بوده و بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک جداگانه مجازات مقرره را معین نماید

(۲) در صورتی که فرداً فرداً آن اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک از آن اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد .

(۳) در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد بموقع اجرا گذارده میشود نسبت به بحث در اطراف عقاید بهمین مختصر اکتفا میشود چه در این خصوص در کتابهای حقوقی بتفصیل سخن رفته است و منظور از تنظیم این سطور مذاقه در اشکالاتی است که ممکن است در رسیدگی و صدور حکم مبتلا به باشد و آنچه که در اجرای مواد مربوط بتعدد جرم مورد توجه است بشرح آتی مورد بحث واقع میشود

(۱) رعایت مقررات مربوط بتعدد در مورد جرائمی که اطفال مرتکب میشوند

باملاحظه مواد (۳۵ و ۳۶) قانون مجازات عمومی که برای اطفالی که کمتر از ۱۸ سال دارند و سن ۱۰ سال تمام نرسیده اند مجازات خاصی تعیین کرده است و با عنایت بماده ۳۸ قانون مذکور که احکام تکرار جرم را نسبت باطفال

مذکور جاری ندانسته است رویه محاکم براین بوده که مقررات مربوط بتعدد را نیز درباره اطفال مزبور اعمال نمیکرده‌اند ورأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور بشماره ۲۰۰۱ مورخ ۳۸/۱۲/۲۵ مؤید این نظر است.

در رأی مذکور متذکر شده‌اند که (با التفات بماده ۳۸ قانون مجازات عمومی که اجرای احکام تکرار جرم را در مورد اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال دارند ممنوع نموده و بادر نظر گرفتن این نکته که لزوم تنبیه و تنبیه در تکرار جرم منظور اصلی قانون گذار بوده با این کیفیت در مورد این قبیل اشخاص اجرا آنرا ممنوع نموده است بطریق اولی در مورد تعدد جرم نظر مقنن بر تشدید مجازات این طبقه نمیباشد و رعایت احکام تعدد در این قبیل موارد مخالف روح و فلسفه مراتب مزبور میباشد. مسئله مورد توجه در این خصوص اینست که دادگاه با قبول عدم رعایت

احکام تعدد درباره این گونه افراد بچه نحو باید عمل نماید آیا برای هر یک از جرائم بدون رعایت مقررات تعدد مجازاتی تعیین و هر یک از مجازات‌ها را مستقلاً اجراء نماید یا اینکه مجازات جرم اشد را مورد حکم قرار دهند در این باره رأی دیوان عالی کشور بشماره ۳۰۹ مورخ ۳۹/۷/۱۳ که اقرب بصواب و بهترین راه حل قضیه بنظر میرسد بشرح ذیل منعکس میگردد. . . .

(تشدید مجازات طبق ماده ۲ الحاقی بقانون آئین دادرسی کیفری درباره اشخاص بالغی که بسن ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند برخلاف روح ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی میباشد که بموجب آن حتی احکام تکرار جرم را هم درباره آنان جائز ندانسته است ولی در عین حال تعیین یک مجازات برای جرائم متعدد ارتكابی این اشخاص مغایر نص هر یک از مواد قانون مجازات عمومی که منطبق بر آن جرائم باشد خواهد بود بعلاوه چنانچه برای جرائم متعدد صغار یک مجازات تعیین شود و هرگاه یک یا چند فقره از آن جرائم بعلل قانونی قابل کیفر نباشد اجرای مجازات تعیین شده قبلی برای سایر جرائم باقیمانده خالی از منطقی و اعتدال است علیهذا در چنین موردی تعیین مجازات قانونی برای هر یک از جرائم متعدد بدون رعایت تشدید کیفر و بموقع اجراء گذاردن مجازات قطعی شده جرمی که مجازات آن اشد است اقرب بصواب میباشد. . . .

(تعدد جرم از نظر صلاحیت محاکم)

برابر ماده ۱۹۷ قانون اصول محاکمات جزائی « هرگاه کسی متهم بارتکاب چند جرم از درجات مختلف باشد در محکمه محاکمه میشود که صلاحیت رسیدگی بمهمترین جرم را دارد »

و همچنین بموجب ماده ۱۹۹ قانون مذکور هرگاه شخص مرتکب چندین جرم در جاههای مختلف شود در محکمه بان جرم رسیدگی میشود که مهمترین جرائم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرمهای مرتکب از یک درجه باشد محکمه که مرتکب در حوزه آن گرفتار شده بان رسیدگی میکند »

و ماده سوم از قانون تشکیل دیوان کیفر مصوب ۳۴ چنین مصرح است « در صورتیکه مستخدمین و یا مأمورین علاوه بر ارتکاب اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری مرتکب یک یا چند بزه دیگر شوند رسیدگی و اتهامات مزبوره هم در دیوان کیفر بعمل خواهد آمد جز در مورد اتهاماتی که طبق قانون مجازات آنها اعدام است که در این صورت رسیدگی بکلیه اتهامات در صلاحیت دادگاههای عمومی میباشد. »

در مورد صلاحیت از نظر تعدد جرم در ماده ۹۸ قانون آئین دادرسی و کیفری ارتش چنین مقرر است. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
هر کس با اتهام دو بزه مورد تعقیب واقع شود که یکی از آنها در حدود صلاحیت دادگاههای نظامی و دیگری در حدود صلاحیت دادگاههای دادگستری باشد متهم بدو دادگاهی که صلاحیت رسیدگی بمهمترین بزه را دارد جلب میگردد و بعد از آن برای بزه دومی بدادگاه دیگر فرستاده میشود. »

و سپس بموجب ماده ۹۹ متذکر میشود « در مورد ماده قبل هرگاه رسیدگی بموضوع بزه که در صلاحیت دادگاه نظامی است نظر باوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب عمل ملازمه با رسیدگی بزه دیگر که در حدود صلاحیت دادگاهها عمومی است داشته باشد رسیدگی بکلیه بزههای متهم در دادگاههای نظامی بعمل خواهد آمد. »

با توجه بمواد یاد شده کاملاً روشن است که تعدد جرائم چگونه در تغییر صلاحیت محاکم مؤثر است تا آنجا که جرمی که رسیدگی بان در صلاحیت

داد گاههای عمومی است بجهت ملازمه باجرم دیگر در داد گاههای نظامی یا داد گاه دیوان کیفر مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و نظر بتصریح قانون در مورد مذکور توضیح و تشریح بیشتر آن موجب اطاله کلام و غیر ضروری است .

نحوه عمل محاکم و دادسراها در مواقعی که برای جرائم متعدد یک نفر کیفرخواستهای متعدد صادر گردیده است ، در عمل بسیار اتفاق میافتد که بعلت عدم توجه و یا تقدیم و تأخیر ارتکاب جرائم از ناحیه یک نفر کیفرخواستهای متعدد صادر میشود و چه بسا که صدور کیفرخواست ثانوی مقارن صدور حکم قطعی نسبت بجرم اول و گاهی پس از قطعیت حکم و اجرای مجازات آنست که نسبت بهر یک بنحو جدا گانه بحث خواهیم کرد . .

۱ - هر گاه وصول کیفرخواست ثانوی قبل از صدور رأی باشد

متهم نیز در همان داد گاه محاکمه شود حاکم داد گاه دستور توأم شدن هر دو پرونده را صادر و برابر مقررات ماده ۲ سلحقه رفتار میکند و اگر توجه حاصل شود که پرونده در داد گاه دیگری مورد رسیدگی است هر گاه اتهام متسبه بمتهم که در داد گاه دیگر مورد رسیدگی میباشد از حیث درجه مهمتر و یا همدرجه با جرم اخیر وی باشد ولی متهم در حوزه داد گاه دیگر دستگیر شده باشد پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت بداد گاهی که بجرم مهمتر رسیدگی مینماید یا اینکه متهم در حوزه آن داد گاه دستگیر شده است ارسال میشود و در غیر این صورت مراتب بداد گاهیکه بجرم اول رسیدگی میکند اعلام و رسیدگی بپرونده ثانوی متوقف میگردد و منتظر اتخاذ تصمیم داد گاه دیگر میشود درین صورت اگر داد گاهیکه بجرم اول متهم رسیدگی میکند بصلاحیت این داد گاه تسلیم شد که پرونده را ارسال میدارد و یکجا رسیدگی میشود والا پس از حل اختلاف در مورد صلاحیت هر دو پرونده توأم شده و در یک داد گاه مورد رسیدگی قرار میگیرد .

۲ - در صورتیکه نسبت یکی از جرائم متهم قبلا رسیدگی شده و منجر

بصدور حکم گردیده و بسبب پژوهش خواهی متهم بداد گاه عالی ارسال شده باشد . در این مورد دو رویه در داد گاههای متبوع است یکی اینکه بدون توجه بپرونده اولی برسیدگی ادامه میدهند و بصدور حکم مستقلی مبادرت مینمایند و در این صورت اجرای یکی از دو مجازات که اشد است بعهدہ دادسرائی است که

حکیم را اجراء می کند و رویت دیگری که معتقیده اینجانب اقرب بصلاح و صواب است اینست که رسیدگی بموضوع تا اعلام رأی بداد گاه عالی و وصول پرونده بداد گاه که بجرم ثانوی رسیدگی میکنند متوقف میشود و پس از وصول پرونده برابر ماده ۳ ملحقه نسبت بجرم ثانوی اقدام بمصدور رأی خواهد شد.

اشکال مهمی که در این مورد متصور است موقعی است که رعایت تخفیف درباره متهم ضروری باشد و در این گونه موارد (بشرحی که خواهد آمد) دادگاه باستناد ماده ۳ ملحقه میتواند باتوسل بماده ۵ مکرر قانون مجازات عمومی مجازات را تا حداقل تنزل دهد هر چند که درباره رسیدگی بجرم اول بدون رعایت تعدد تعیین مجازات شده باشد نسبت باین موضوع رأی شماره ۶۷۳۶ مورخه ۳۱/۱۲/۱۷ شعبه ۳ دیوان عالی کشور بشرح ذیل است.

موقعی که اعمال ماده ۲ الحاقی بقانون آئین دادرسی کیفری ضروری است که نسبت بکلیه اتهامات یکجا و دفعتاً واحده رسیدگی بعمل آید و یا لااقل محکومیت متهم در مراجع دیگر که موجب رعایت تعدد است معلوم و محقق گردد زیرا در غیر اینصورت ممکن است احکام مراجع دیگر که سبب رعایت تعدد شده است در مراحل بالاتر فسخ یا نقص گردیده و بالاخره منتهی ببراءت متهم شود و حکم تشدید بصورت قطعیت رسیده و برخلاف حق و قانون مجازات تشدید گردد.

(۳) در صورتیکه نسبت بیکی از جرائم متهم رسیدگی بعمل آمد و حکم قطعی نیز صادر شده باشد.

در این حال دو صورت قابل تصور است اول اینکه شروع باجرای حکم نشده باشد دوم اینکه شروع باجرا شده ولی مجازات با تمام نرسیده باشد در حالتی مذکور نیز دو روش موجود است بیک عده نسبت پرونده ثانوی مستغلا رسیدگی کرده و حکم میدهند که در این صورت اجرای مجازات اشد بجهت دادسرای اجرای کننده حکم است و عده دیگری رعایت مفاد ماده ۳ ملحقه در موقع صدور حکم ثانوی لازم تشخیص و بالتوجه بآن اقدام بمصدور رأی مینمایند.

آراء شعب دیوان عالی کشور نسبت بمورد یاد شده است بشرح ذیل

رای شماره ۱۰۰۲ - ۱۹/۴/۱۶ شعبه پنجم « دادگاه نمیتواند (باستناد اینکه نسبت بجرم دیگر متهم حکم در دیوان کشور استوار شده و رسیدگی این دادگاه منحصر بجرم واحد است) از تعدد جرم صرفنظر کند چه آنکه وجود تعدد جرم همین عمل متهم را که تحت رسیدگی میباشد مشمول ماده ۲ الحاقی بآئین دادرسی کیفری قرار میدهد اعم از اینکه جرم دیگر نیز تحت رسیدگی باشد یا نسبت بان حکم سابق قطعی شده و موضوع رسیدگی نباشد و تعدد در تمام جرایم متهم مؤثر خواهد بود. »

رای شماره ۲۵۸۰ - ۳۶/۹/۲۵ شعبه سوم « اگر اجرای مجازات جرم قبلی متهم در تاریخ ارتکاب بجرم اخیر او تمام نشده باشد در این صورت رعایت مقررات راجع بتعدد جرم از لحاظ تعیین کیفر الزامی نخواهد بود. »

رای شماره ۴۲۵ - ۳۶/۲/۲۱ شعبه دوم « با اطلاق ماده ۲ الحاقی بقانون آئین دادرسی کیفری و توجه بمواد قانون دادرسی و کیفر ارتش راجع بتعدد جرم در مورد نظامیان ماده ۹۸ قانون اخیرالذکر که در مقام بیان صلاحیت باتذکر اجرای مجازات شدیدتر است مانع رعایت مقررات تعدد جرم درباره متهمی که قبلاً در دادگاه نظامی محکوم شده و قبل از اتمام مدت مجازات مرتکب جرم دیگری می شود که در صلاحیت دادگستری است نخواهد بود »

ع) در صورتیکه نسبت بجرم اول حکم قطعی صادر و اجراء نیز شده باشد.

در این صورت نیز از جهت رعایت ماده ۲ ملحقه اختلاف نظر وجود دارد و از جهت اجرای مجازات نظریه قریب باتفاق آقایان قضات اینستکه اگر مجازات اجرا شده مجازات اشد باشد دیگر مجازات جرم دوم اجرا نخواهد شد و بالعکس مجازات اجرا شده اخف باشد مجرم باید مجازات اشد را با احتساب مجازات اجرا شده تحمل کند و نظریه اقلیت براینست که باید مجازات ثانوی نیز اجراء شود زیرا محکمه بدون رعایت مقررات مربوطه بتعدد نسبت بهریک از جرائم جداگانه رسیدگی نمیکرده و مجازات علیحده نیز تعیین نموده است خاصه اینکه اجرای مجازات اشد بنحو فوق ممکن است در عمل مواجه با اشکالات گردد بعنوان مثال اگر مجازات اجرا شده اخف حبس تأدیبی کمتر از دو ماه بوده و از طرف متهم خریداری گردیده و وجه آن بحساب درآمد عمومی منظور شده باشد و مجازات ثانوی بیش از دو ماه

غیرقابل خریداری باشد معلوم نیست چگونه میتوان آثار عمل انجام شده قبلی را منتفی کرد و بهر حال اشکالات استثنائی یاد شده مانع اجرای نظری که بنفع متهم بوده و بمنظور قانون گذار نیز نزدیکتر است نمیشد و بعقیده اینجانب با توجه بقسمت اخیر ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی دائر باینکه (در هر مورد فقط مجازات اشد بموقع اجراء گذارده میشود) و با ملاحظه مفاد ماده ۹۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش که چنین مصرح است « در صورتیکه در هر دو دادگاه محکوم شدند فقط کیفری که شدیدتر است اجراء میشود) رویه که برابر قانون و نزدیک بصلاح متهم است همان اجرای مجازات اشد است خواه مجازات اشد قبلاً اجراء شده باشد و یا بعد از اجرای مجازات اخف لازم الاجراء گردیده باشد.

رعایت تخفیف در تعدد جرم با اجتماع کیفیات مشدد و مخففه

گفتگویی نیست که تعدد جرم از علل مشدد بوده و بموجب ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی (در صورتیکه فرداً فرد اعمال ارتکابیه جرم بوده بدون آنکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک حداکثر مجازات مقرر را تعیین نماید.

و در این صورت هرگاه اوضاع و احوال مقتضی رعایت تخفیف درباره متهم باشد چگونه باید عمل شود؟ نسبت باین موضوع ماده ۵۰ مکرر قانون مجازات عمومی چنین مقرر میدارد « در موارد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید بعداً کثر مجازات محکوم شود هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود دید میتواند مرتکب را بکمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را بکمتر از حداقل تنزل دهد » در این مسئله در کتاب استاد فقید مرحوم دکتر سمعی بحثی عنوان شده و نتیجه که گرفته شده است اینست که هرگاه متهم مرتکب دو فقره جرم شده باشد و مثلاً مجازات یکی ۶ ماه تا ۲ سال و مجازات دیگری ۳ ماه تا سه سال باشد محکمه در رعایت ماده ۵۰ مکرر میتواند حبس را تا سه ماه پائین بیاورد زیرا مجازات اشد مجازاتی است که حداکثر آن زیادتر باشد و در مثال فوق مجازات اشد همان سه ماه تا سه سال است که در موقع رعایت تخفیف میتوان حداقل آنرا مورد حکم قرارداد و اجراء نمود.

هر چند نظریه مذکور ظاهراً بنفع متهم میباشد بدلائلی که ذیلاً عنوان میشود با نص قانون توافقی ندارد و با توجه باینکه مقررات جزائی غیر قابل تفسیر است در عمل این عقیده قابل اعمال نیست و برای روشن شدن موضوع بگفتگو در اطراف مثالی که استاد فقید عنوان کرده اند، بپردازیم. در مثال مذکور اگر محکمه نخواهد درباره متهم تخفیفی بدهد باید او را بعداً کثر مجازات یعنی بدو فقره حبس یکی دو سال و یکی سه سال محکوم کند که در این مورد البته مجازات اشد یعنی سه سال حبس قابل اجراء است و اما در صورتیکه مقتضیات رعایت تخفیف درباره متهم موجود باشد با عنایت بماده ۲ ملحقه که مقرر است « باید درباره هر یک از جرائم بنحو علیحده بحکم حداکثر مجازات صادر شود » و با مذاقه در ماده ۵ ع مکرر قانون مجازات عمومی که چنین مصرح است « در کلیه مواردیکه مطابق قانون مجرم باید بعداً کثر مجازات محکوم شود هر گاه محکمه موجبات تخفیف را موجود بداند میتواند مجازات را تا حداقل تنزل دهد » باید دادگاه هر یک از جرائم را بطور جداگانه با دو ماده فوق انطباق داده نتیجتاً متهم را با رعایت ماده ۵ ع مکرر بدو فقره حبس که یکی سه ماه است و دیگری شش ماه است محکوم نماید در این صورت اجرای مجازات سه ماه حبس اجرای مجازات اشد نیست و منظور قانونگذار از حاصل نمیشود و نتیجه علمی این مبحث معطوف است باینکه در تعدد جرم باید مجازات جرمی که مجازات آن اشد است درباره متهم اجراء شود یا علی الطلاق مجازات اشد قابل اجراء است و در این مورد صرفنظر از فایده بحث علمی این موضوع که خود از مسائل جالب علمی حقوق جزا است نظر بتصریح قانون جزائی ایران دائر باعمال مجازات اشد بنحو اطلاق ورود بگفتگو مزبور از فایده عملی بجائی است و در مانحن فیه فقط مجازات اشد که شش ماه حبس است قابل اجراء میباشد.

تعدد جرم از نظر سابقه تکرار

در سیستم جمع قضائی مجازاتها یکی از نتایج مورد نظر صاحب نظران سیستم مذکور این است که پس از اجرای مجازات اشد درباره متهم باید کلیه محکومیت های وی که اجراء نشده جزء سوابق محکومیت مؤثر کیفری بحساب آید فی المثل اگر کسی باتهام ارتکاب سرقت و اخذ مال بعنف یکجا محاکمه گردیده و بیک فقره شش ماه حبس تأدیبی و یک فقره سه ماه حبس تأدیبی محکوم شده باشد

پس از اجرای تمام مجازات اشد (شش ماه) هرگاه مرتکب جرم جدیدی شود باید بعنوان کسی که دو فقره سابقه محکومیت کیفری مؤثر دارد محاکمه و محکوم شود .

با وجود تصریحی که در ماده ۴ قانون مجازات عمومی ایران وجود دارد عملاً اجرای مقررات مربوط بتعدد جرم فاقد نتیجه فوق‌الذکر است زیرا بموجب ماده ۴ قانون مجازات عمومی باید مرتکب قبلاً بحکم لازم‌الاجراء محکوم بجزای جنائی یا جنحه شده و (از تاریخ اتمام مجازات) در ظرف مدتهای مقرر مجدداً مرتکب جنحه یا جنایتی شده باشد و با توجه باینکه برابر ماده ۴ ملحقه در هر حال فقط مجازات اشد اجراء میشود و بقیه مجازاتها غیر مجری میماند . . . نتیجه همان محکومیت اجراء شده سابقه محکومیت حساب خواهد شد .

تعدد جرم از نظر نتایج عمل

در این مبحث دو موضوع قابل توجه و مذاقه است یکی تعدد نتایج عمل واحد و نظراتی که درباره آن اظهار شده و دیگری موردی که قانون برای اعمال متعدد مجازات واحدی تعیین کرده است . . . نتایج عمل واحد . . . (فعل واحد ممکن است دارای عناوین متعدد جرم باشد و هریک از نتایج متعددی که از فعل واحد حاصل میشود در قانون مجازات خاصی داشته باشد که در این صورت بموجب ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی بشرح ذیل . . .

هرگاه فعلی واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است» تعیین تکلیف کرده است در مورد ماده فوق مسئله که قابل بحث و گفتگو باشد وجود ندارد فقط از نظر تشخیص عمل و تعیین عنوان جرم مباحثی پیش آمده است که بعنوان نمونه چند مورد آن مورد بحث واقع میشود

تعدد در عمد اشتباهی

موردی پیش آمده است که یکنفر بقصد قتل عمد با داشتن سبق تصمیم بطرف دیگری تیراندازی کرده است و بعلت عدم مهارت در تیراندازی گلوله بشخص ثالثی که مورد نظر مجرم نبوده است اصابت کرده و شخص مذکور بقتل رسیده است در این مورد نظر دادگاه عالی جنائی بر این بوده است که عمل متهم موصوف از

موارد و مصادیق تعدد معنوی جرم است و متهم مرتکب در جرم گردیده است یعنی عمل وی دارای عناوین متعدد جرم بوده است یکی اینکه متهم شروع بقتل دیگری کرده و دیگر آنکه بعلت عدم مهارت در تیر اندازی موجب قتل غیر عمد ثالثی گردیده است و لکن رأی صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر اینست که عمل متهم مشمول مقررات مربوط بتعدد جرم نیست زیرا چنین عمل واحدی که ناشی از یک اراده و فکر و تصمیم بوده است دو جرم محسوب نمیشود تا مستلزم صدور دو حکم مجازات باشد متهم قصد کشتن انسانی را داشته و در اثر عمل وی انسانی کشته شده است بنابراین عمل واحد و مشمول عنوان قتل نفس است.

مورد دیگر اینست که متهمی در مورد ملکی که نسبت بان امین محسوب میشده است تقاضای ثبت نام خود را کرده است که این عمل برابرماده ۱۰۷ قانون ثبت کلاهبرداری محسوب است نظرباینکه ملک مذکور مالکین متعدد داشته و عده زیادی مشاعاً در آن سهم و شریک بوده اند شکایات کیفری متعددی علیه نامبرده تقدیم دادسرا گردیده و منتهی بصدور کیفرخواستهای متعدد شده است و بالحاظ اینکه متهم ملک فرد در سهام داران را بثبت رسانده است عمل او را از مصادیق ماده ۲ ملحقه بقانون اصول محاکمات جزائی دانسته اند و حال آنکه بعقیده اینجانب عمل مذکور که تقاضای ملک واحدی در تاریخ معینی است فعل واحدی محسوب و تعدد مالکین و سهام داران تأثیری در تغییر عنوان جرم ندارد و احکام تعدد جرم در باره آن جاری نیست و همینطور است

در موقعیکه سارق بیگ بار وارد منزل شده و اشیائی که بچند نفر تعاق دارد سرقت کرده باشد که در این مورد رأی شماره ۱۲۸۸ مورخه ۲۵/۸/۸ شعبه دوم دیوان عالی کشور چنین مصرح است «بزه سرقت وقتی متعدد محسوب است که محل سرقت مختلف و نوع مال مسروق و تاریخ آن متفاوت باشد».

«تعدد جرم در امور خلافی و اداری و جزائی که مجازات آنان جزای

نقدی است

در حال حاضر در موارد فوق بحثی نیست که مقررات تعدد جرم نسبت بموضوعات یاد شده جاری نمیگردد و آراء متعددی در این خصوص از دیوان عالی کشور صادر گردیده و رویه محاکم عموماً بر اینست که مقررات مربوطه بتعدد را در

امور فوق مطلقاً اجراء نمینماید رأی شماره ۱-۲۶۹-۱۸/۱۲/۱ دیوان عالی کشور باین شرح است که (در اعمال قوانین جزائی بر ضرر متهم باید بقدر متقن از مدلول مواد اکتفا کرد پس ماده ۲ الحاقی نیز شامل بجرائم جنحه و جنایت خواهد بود و شامل گناهایی که در داد گاههای اداری رسیدگی میشود نیست ولواینکه تبعاً یا بعلت خاص دیگری برداد گاههای جزائی مطرح و مورد حکم واقع شود) و همچنین است رأی شماره ۲۹۵۷ مورخه ۱۷/۱۱/۲۷ که بموجب آن بزه خلافی همانطور که مؤثر در تکرار جرم نسبت موجب تعدد جرم نیز اصولاً نخواهد بود) و همینطور رأی شماره ۲۵۷ مورخه ۱۸/۱۰/۲۵ دیوان عالی کشور مقررات تعدد را در مورد جرائمی که مجازات آن جزای نقدی است جاری نمی داند.

تعدد در جرائم سیاسی

برابر ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی «احکام تکرار جرم در باره اشخاصی که بواسطه ارتکاب جرم سیاسی محکوم شده اند جاری نخواهد بود در این مورد از نظر رعایت تعدد هنوز رویه واحدی اتخاذ شده است عقیده بعضی بر آن است همانطور که در مورد اطفال و جرائم اداری و خلافی و جزائی که مجازات آن جزای نقدی است با استفاده از قاعده اولویت رویه براینست که مقررات تعدد جرم را رعایت نمیکنند در این مورد نیز باید از روش فوق پیروی کرد و عقیده عددهای دیگر بر این است که دلیل کافی بر عدول از نص قانون نیست و در این گونه جرائم نیز باید مقررات مربوط بتعدد اجرا شود.

«تعدد در جنحه کوچک (تقصیر) و جرائمی که مجازات آن سابقه

محکومیت کیفری محسوب نمیشود».

هرچند که در ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی (کلمه جرم) علی الاطلاق قید گردیده است و ظاهر ماده در این است که باید نسبت بکلیه جرائم اعم از جرائم اطفال و جرائم سیاسی و خلافی و جنحه و جنایت اعدال گردد لکن با توجه به استدلالی که در باره جرائم اطفال و جرائم سیاسی و جرائمی که مجازاتهای آن جزای نقدی است بعمل آمد بعقیده نویسنده مفاد ماده ۲ ملحقه نسبت بجرائمی که تقصیر (جنحه کوچک) محسوب میشود و همچنین جرائمی که حداکثر مجازات آن تا دو ماه حبس تأدیبی بوده و برابر ماده ۳ از مواد اضافی

بقانون آئین دادرسی کیفری سابقه محکومیت مؤثر کیفری محسوب نمیشود و با توجه بمواد قانون جزا این گونه جرائم در درجه کمتری از اهمیت قرار گرفته اند در این گونه موارد باید از تشدید مجازات بموجب ماده (۲) ملحقه باصول محاکمات جزائی خود داری شود....

احتساب ایام بازداشت گذشته هنگام رعایت تعدد جرم

در صورتیکه کلیه اتهامات متهم یکجا تحت تعقیب قرار گرفته باشد بظرباینکه بازرس باعنایت بتعدد جرم و شدت مجازات تأمین اخذ مینماید نتیجه پس از صدور حکم و در هنگام اجرای مجازات اشد ایام بازداشت گذشته احتساب خواهد شد و هر گاه جرائم تعدد متهم در هنگام تعقیب در دادسرا در شعب مختلف بازپرسی یا در حوزه های قضائی مختلف تحت تعقیب قرار گرفته و در هنگام محاکمه کلیه جرائم وی یکجا رسیدگی شود در این مورد و نیز دادگاه پس از تشدید مجازات بموجب ماده ۲ ملحقه حکم خواهد داد که کلیه ایام بازداشت گذشته احتساب شود .

اما گاه اتفاق می افتد که متهم در دو دادسرا که در حوزه قضائی دو شهرستان قرار دارند تحت تعقیب قرار گرفته و بموجب تأمین زندانی میشود و در موقع صدور حکم و تعیین مجازات نیز هر یک از محاکم بدون توجه و در نظر گرفتن جرم دیگر متهم و بدون رعایت ماده ۲ ملحقه تعیین مجازات مینمایند و هنگام اجرای مجازات توجه حاصل میشود که متهم در دادگاههای مختلف محکومیت های کیفری قطعی دارد در این صورت بحثی نیست که فقط مجازات اشد قابل اجراء است ولکن از جهت احتساب ایام بازداشت نظر اداره حقوقی وزارت دادگستری این است که فقط آن مدت از ایام بازداشت قابل احتساب است که متهم بجهت جرمی که مجازات آن اشد و قابل اجراء است در زندان بوده است و ایام بازداشت گذشته متهم برای سایر جرائم وی که جهت اخف بودن مجازات قابل اجراء نیستند قابل احتساب نمیباشد .